فیش منبر روز بیست و دوم ماه مبارک رمضان ۱۴۳۷ه.ق/ راه‌های افزایش محبت نسبت به خدا

 **بسم الله الرحمن الرحیم**

**«الْحَمْدُ للهِ الَّذی تَحَبَّبَ اِلَی وَهُوَ غَنِی عَنّی وَالْحَمْدُ للهِِ الَّذی یحْلُمُ عَنّی حَتّی کَاَنّی لا ذَنْبَ لی» (دعای ابوحمزه ثمالی)**

 مناسبت: نیمه دوم ماه مبارک رمضان

ایجاد انگیزه[[۱]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftn1%22%20%5Co%20%22)

چوب دستی‌اش را در دست گرفته بود و به انبوه گوسفندان که چمن‌ها را آرام می‌جویدند و فرو می‌دادند نگاه می‌کرد. باد سردی وزید و تنش به لرزه افتاد. ناگهان ندایی شنید که می‌گفت: «سبّوحٌ قدّوس ربّنا و ربّ الملائکةِ و الروح»

سرش را برگرداند و به دنبال صاحب صدا گشت. متوجه شد آن ندا مردی نورانی است که بر بلندی‌های تپه، نام دوستش را می‌خواند. به سمتش دوید و با اشتیاق گفت: «تو بودی که نام دوستم را می‌بردی؟» مرد گفت: «بله!» فرمود: «اگر یک‌بار دیگر بگویی، یک‌سوم گوسفندانم را به تو می‌بخشم.»

مرد صدایش را به آواز بلند کرد و دوباره خواند: «سبّوحٌ قدّوس ربّنا و ربّ الملائکةِ و الروح» پژواکش در آسمان پیچید.

در این لحظه، حال حضرت ابراهیم (ع) دگرگون شد. شوقی در دلش پرپر زد و می‌خواست دوباره و دوباره نام او را بشنود: «بازهم بگو تا نیمی از گوسفندانم را به تو بدهم.» مرد دوباره گفت: «سبّوحٌ قدّوس ربّنا و ربّ الملائکةِ و الروح»

لبخندی بر چهره منور ابراهیم (ع) نشست و شعفی سینه‌اش را در برگرفت. به التماس گفت: «یک‌بار دیگر نام دوستم را بخوان، تمام گوسفندانم را به تو می‌بخشم.» مرد، دوباره فریاد زد: «سبّوحٌ قدّوس ربّنا و ربّ الملائکةِ و الروح»

اشک عشق در چشمان ابراهیم (ع) حلقه زد. آن حضرت به مرد قریبه نزدیک‌تر شد. گفت: «چیزی ندارم که به تو ببخشم، مرا برده خود بگیر و نام دوستم را دوباره به آواز بخوان!» مرد خواند: «سبّوحٌ قدّوس ربّنا و ربّ الملائکةِ و الروح»

ابراهیم (ع)، به مرد گفت: «اینک من و گوسفندانم در اختیار تو هستیم!»

مرد گفت: «من جبرئیل امین (ع) هستم! نیازی به ضبط تو و اموالت ندارم. به‌راستی که مراحل دوستی خدا را به آخر رسانده‌ای. شایسته توست که خداوند تو را به‌عنوان «خلیل» خود برگزید.»[[۲]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftn2%22%20%5Co%20%22)

-        این چه محبتی است که این‌چنین حضرت ابراهیم را به خود مشغول کرده است؟

-        آیا در میان ما کسی هست که باور داشته باشد، محبوبی بهتر از خدا وجود دارد؟

-        آیا کسی هست که تمایل به محبت و دوستی با خداوند متعال نداشته باشد؟

به نظر شما چرا دل ما کمتر برای خدا تنگ می‌شود؟ چرا ادعای محبت او را داریم؛ اما با گناه و معصیت او را نافرمانی می‌کنیم؟ چگونه می‌توان محبت خود را نسبت به خدا بیشتر کرد؟

راهکارهای افزایش محبت به خدا

برخی از راهکارهای کاربردی افزایش محبت به خدا عبارتند از:

**۱. مقدم شمردن محبت خدا بر سایر محبت‌های**

به عبارتی هر جا بین محبت یک شخص و محبت خدا تعارض صورت گرفت، آنجا خواسته خدا را انجام بدهیم، چند مرتبه که این کار را انجام بدهیم، این محبت را به خودمان تلقین کنیم و به خودمان بفهمانیم که دل کندن از محبت‌های زمینی هرچند سخت است؛ ولی امری ممکن است.

آری دلِ انسان به این سادگی تکان نمی‌خورد و حرف گوش نمی‌کند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «جا به جا کردن کوه‌ها آسان‌تر از این است که قلبی بخواهد از جایش تکان بخورد؛ إزالَةُ الجِبالِ أهوَنُ مِن إزالَةِ قَلبٍ عَن مَوضِعِهِ[[۳]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftn3%22%20%5Co%20%22)»

کسی که محبت‌های دیگر را بر خشنودی خدا مقدم بدارد، کارش زار است؛ و همین سبب هلاکت و نابودی اوست.

یکی از علماء نقل می‌کند: در مشهد به تحصیل علوم دینی و حوزوی اشتغال داشتم، یکی از طلبه‌ها که از دوستان من بود بیمار شد و به‌قدری بیماریش شدید گردید که به حالت مرگ افتاد، در این هنگام ما او را تلقین می‌کردیم، به او می‌گفتیم: «بگو لا اله الا اللّه، اللّه اکبر و...،» او در پاسخ می‌گفت: نشکن، نمی‌گویم!

 ما تعجب کردیم؛ زیرا او طلبه فاضلی بود، حال چرا پاسخ ما را نمی‌دهد و به‌جای تلقین به یگانگی خداوند، سخن بی‌ربطی به زبان می‌آورد؟ تا اینکه لحظاتی حالش خوب شد، از او پرسیدیم چرا در برابر تلقین ما، می‌گفتی: نشکن نمی‌گویم؟ رازش چیست؟

در پاسخ گفت: ابتدا آن ساعت مخصوصم را بیاورید تا بشکنم، بعد ماجرا را برای شما تعریف می‌کنم. ساعتش را نزدش آوردند و به او دادند، او گفت: من به این ساعت علاقه بسیاری داشتم، هنگام احتضار، شنیدم شما به من می‌گویید: «بگو: لا اله الا اللّه و...؛»

ولی شخصی (شیطانی) در برابرم ایستاده بود و همین ساعت مرا در دست داشت و در دست دیگرش چکش بود. تا می‌خواستم جواب شما را بگویم و هم‌نوا با تلقین شما، ذکر خدا به زبان بیاورم، آن شخص به من می‌گفت: اگر اللّه اکبر و لا اله الا اللّه بگویی، ساعت تو را می‌شکنم، من هم چون آن ساعت را بسیار دوست داشتم، به او می‌گفتم: نشکن نمی‌گویم.[[۴]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftn4%22%20%5Co%20%22)

انسان اگر می‌خواهد محبت خدا در دلش زیاد شود، باید سعی کند این محبت را بر همه چیز حتی زن، فرزند، ثروت و بر خودش هم مقدم بدارد. در آن صورت لحظه به لحظه محبت او نسبت به خدا بیشتر می‌شود.

خداوند در آیه‌ای می‌فرماید: «قُلْ اِنْ کانَ ابآؤُکمْ وَ اَبْناؤُکمْ وَ اِخْوانُکمْ وَ اَزْواجُکمْ وَ عَشیرَتُکمْ وَ اَمْوالٌ اقْتَرَفْتُمُوها وَتِجارَةٌ تَخْشَوْنَ کسادَها وَ مَساکنُ تَرْضَونَها اَحَبَّ اِلَیکمْ مِّنَ اللّهِ وَ رَسُولِهِ وَجِهاد فی سَبیلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتّی یأْتِی اللّهُ بِاَمْرِهِ وَاللّهُ لایهْدِی الْقَوْمَ الْفاسِقین[[۵]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftn5%22%20%5Co%20%22)؛ بگو اگر پدرانتان و فرزندانتان و برادرانتان و همسرانتان و خویشاوندانتان و اموالی که جمع آورده‌اید و تجارتی که از کسادش بیمناک هستید و منازلی که بدان دل بسته‌اید، نزد شما از خدا و رسول خدا و جهاد در راه خدا محبوب‌ترند، پس منتظر باشید تا خدا فرمان (قطعی) خود را بیاورد و خداوند قوم تبهکار را هدایت نمی‌کند.»

اگر خصلت روحی فردی به‌گونه‌ای است که اشیاء دنیا برایش از خدا محبوب‌ترند؛ به گونه‌ای که، در سر دو راهی به جای خدا آن‌ها را مقدّم می‌دارد و برمی‌گزیند؛ در این صورت، او فردی فاسق است و باید توبه کند.

جمله «فَتَرَبَّصُوا حَتی یأتِی اللّهُ بِاَمْرِه» در آیه فوق، تهدید است و نشان می‌دهد که چنین افرادی در یک موقعیت بسیار خطرناک قرار گرفته‌اند.

در منابع دینی بر مراقب از دوستان و عشق و محبت‌های آنان سفارش بسیار شده است. زیرا برخی هستند که به‌ظاهر دوستی می‌کنند و در واقع دشمنان شما هستند. چنین افرادی و در اطراف انسان جمع می‌شوند به قصد اینکه از او سوءاستفاده کنند! چرا که اکثر آن‌ها و یا حداقل بعضی از به‌ظاهر دوستان، فقط دنبال منافع خودشان هستند. پس مراقب خود باشید!

سعدی (ره) در تشبیهی زیبا می‌فرماید:

 این دغَل دوستان که می‌بینی                      مگسانند، دور شیرینی

تا طعامی که هست، می‌نوشند                      همچو زنبور، بر تو می‌جوشند

تا به روزی که دِه خراب شود                        کیسه، چون کاسه رَباب شود

بار دیگر، که بخت باز آید                کامرانی، در فراز آید

دوغ بائی بپز که از چپ و راست                    در وی افتند، چون مگس در ماست

راست گویم، سگان بازارند               کاستخوان از تو دوست‌تر دارند

محبّت شدید به غیر خدا می‌تواند مانع محبّت خدا و عامل اعراض از عمل به وظائف الهی شود. از این رو، حدّ نصابی برای محبّت خدا تعیین شده که لازم است، محبّت انسان به خدا حداقلّ غالب باشد بر محبّت نسبت به اشیاء دیگر که فرموده است: «وَالَّذینَ امَنُوا اَشَدُّ حُبَّاً لِلّه»[[۶]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftn6%22%20%5Co%20%22)

مولانا به زیبایی وصف عاشقان واقعی خدا را در شعر زیر سروده است:

عاشقان را شادمانی و غم اوست                               دستمزد و اجرت خدمت هم اوست

غیر معشوق آر تماشایی بود                                       عشق نبود هرزه سودایی بود

عشق آن شعله‌ست کو چون بر فروخت                       هرچه جز معشوق باقی جمله سوخت

تیغ لا در قتل غیر حق براند                                          در نگر زان پس که بعد لا چه ماند

ماند الا الله باقی جمله رفت                                         شاد باش ای عشق شرکت، سوز زفت

خود همو بود آخرین و اولین                                            شرک جز از دیده احول مبین[[۷]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftn7%22%20%5Co%20%22)

امام سجاد (ع) در دعای ابوحمزه ثمالی چنین نجوا کرده است: «الْحَمْدُ للهِ الَّذی تَحَبَّبَ اِلَی وَهُوَ غَنِی عَنّی وَالْحَمْدُ للهِِ الَّذی یحْلُمُ عَنّی حَتّی کَاَنّی لا ذَنْبَ لی فَرَبّی اَحْمَدُ شَیء عِنْدی وَاَحَقُّ بِحَمْدی؛ ستایش خدایی را که با من دوستی کند در صورتی که از من بی نیاز است و ستایش خدایی را که نسبت به من بردباری کند تا به جایی که گویا گناهی ندارم. پس پروردگار من ستوده‌ترین چیزها است نزد من و به ستایش من سزاوارتر است.»

**۲. یادآوری نعمت‌های الهی**

بهترین راه برای کسانی که می‌خواهند محبت خدا را در دل خود بیشتر کنند، همان راهی است که خدای متعال آموزش داده است. خداوند متعال در حدیثی قدسی، خطاب به حضرت موسی (ع) این‌چنین می‌فرماید:

«حَبِّبْنی اِلی خَلْقی و حَبِّبْ خَلْقی اِلَی قال یا رَبِّ کیفَ اَفْعَلُ قالَ ذَکرْهُمْ آلائی وَ نَعْمائی لِیحِبُّونی؛ ای موسی! مرا پیش خلقم محبوب ساز و خلقم را نزد من محبوب ساز. موسی (ع) عرض کرد، خدایا! چگونه این کار را انجام دهم؟ خداوند فرمود: مواهب و نعمت‌های مرا به یادشان بیاور تا مرا دوست بدارند.»[[۸]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftn8%22%20%5Co%20%22)

ما از هر کسی که خیری دیده و بهره‌ای برده باشیم، به او علاقه‌مند می‌شویم. یادکرد نعمت‌ها و برخورداری‌ها، انسان را به صاحب نعمت متوجه می‌سازد و یاد ولی‌نعمت، محبت او را در دل پدید می‌آورد؛ زیرا فطرت انسان به‌گونه‌ای است که وقتی کسی به او خوبی کند، محبت او در دلش جای می‌گیرد. خداوند نیز بر همین فطرت تأکید کرده و از موسی (ع) می‌خواهد تا نعمت‌های الهی را برای بندگان یادآوری کنند.

هرچقدر به نعمت‌ها و مواهبی که خدا به انسان عطا کرده‌ است، بیشتر توجه شود، بیشتر محبت خدا در دل‌ها جیان پیدا می‌کند.

عزیزی می‌گفت: اگر مقداری به اطراف خود دقت کنید، چیزهای جالبی به ذهنتان خطور می‌کند. تا به حال دقت کرده‌اید، اگر انگشتانمان ترتیبش برعکس می‌شد چه اتفاقی می‌افتاد؟ آیا فکر کرده‌اید، اگر بینی‌تان برعکس بود، چه می‌شد؟ اگر باران می‌آمد، بینیتان پر از آب می‌شد! و ...

بسیاری از نعمت‌هایی که ما داریم، این گونه است، ما کمتر به آن‌ها فکر می‌کنیم و به‌سادگی از کنار آن‌ها می‌گذریم! دقت کرده‌اید اگر انگشت کوچک پا نبود، چه می‌شد؟ مقدار زیادی از تعادل انسان برای همین یک تکه گوشت می‌باشد!

در اینجا لازم می‌بینیم که به بعضی از نعمت‌هایی که خدا به بندگان خود داده، اشاره کنیم هرچند که «وَإِن تَعُدُّواْ نِعْمَةَ اللّهِ لاَ تُحْصُوهَا إِنَّ اللّهَ لَغَفُورٌ رَّحِیمٌ»[[۹]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftn9%22%20%5Co%20%22)

در آیات قرآن کریم نزول باران؛ زمین حاصلخیز؛ بادهای حیات‌بخش به‌عنوان برخی از نعمت‌ها معرفی شده‌اند.

«یا أَیهَا النَّاسُ اذْکرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَیکمْ هَلْ مِنْ خالِقٍ غَیرُ اللَّهِ یرْزُقُکمْ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ فَأَنَّی تُؤْفَکونَ[[۱۰]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftn10%22%20%5Co%20%22)؛ ای مردم! نعمت خدا را بر خودتان یاد کنید. آیا جز خدا هیچ آفریننده‌ای هست که از آسمان و زمین شما را روزی دهد؟ هیچ معبودی جز او نیست، پس چگونه [از حق] منصرفتان می‌کنند؟»

نعمت فرصت دادن و عذاب نشدنی که بعد از انجام گناه به انسان گنهکار داده می‌شود و توفیق توبه و استغفاری که پاک کننده و مبدل کننده گناه به حسنات است! متاسفانه این نعمت‌ها کمتر دیده می‌شوند.

دوستان واقعی؛ رفقای صالح و نیکوکار، نعمتی از نعمت‌های بی‌شمار الهی هستند: «وَ مَنْ یطِعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولئِک مَعَ الَّذینَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیهِمْ مِنَ النَّبِیینَ وَ الصِّدِّیقینَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصَّالِحینَ وَ حَسُنَ أُولئِک رَفیقا[[۱۱]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftn11%22%20%5Co%20%22)؛ و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره کسانی از پیامبران و صدّیقان و شهیدان و شایستگان خواهند بود که خدا به آنان نعمت [ایمان، اخلاق و عمل صالح] داده و اینان نیکو رفیقانی هستند.»

محبت به اهل‌بیت (ع) یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌هایی است که تنها به برخی از انسان‌ها عطا شده است.

در روایات است که مردی از فقر و تنگ‌دستی به امام صادق (ع) شکایت کرد. حضرت فرمود: تو فقیر و بینوا نیستی. آن شخص تأکید کرد که فقیرم و چیزی در بساط ندارم، اگر می‌خواهی کسی را بفرست تا وضع زندگی مرا بررسی کند. حضرت فرمود: آیا حاضری این محبت و ولایتی را که به ما اهل‌بیت داری، در مقابل مثلاً هزاران دینار از دست بدهی و از آنان بیزاری بجویی؟ عرض کرد: هرگز و به هیچ قیمت! امام صادق (ع) فرمودند: پس نگو فقیرم، چون از نعمتی برخورداری که حاضر نیستی آن را در برابر ثروت زیاد، از دست بدهی![[۱۲]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftn12%22%20%5Co%20%22)

۳. پاک نمودن قلب و چشم‌پوشی از محارم الهی

اگر می‌خواهیم محبت خدا در دلمان اوج بگیرد، باید قلب خود را پاک کنیم و چشم از نامحرمان بپوشیم. زیبایی زیبا است، چه حلال باشد چه حرام. پس اگر چشممان را از زیبایی‌های حرام نپوشیم، آن زیبایی حرام در دلمان جای می‌گیرد، در این صورت چگونه می‌خواهیم زیبایی واجبی همچون زیبایی خالق هستی را در دل جای دهیم. امام صادق (ع): «الْقَلْبُ حَرَمُ اللَّهِ فَلَا تُسْکنْ حَرَمَ اللَّهِ غَیرَ اللَّه»[[۱۳]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftn13%22%20%5Co%20%22)

یارب ز شراب عشق سرمستم کن                              وز عشق خودت نیست کن و هستم کن

از هر چه بجز عشق خود تهی دستم                           کن یک‌باره به بند عشق پابستم کن[[۱۴]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftn14%22%20%5Co%20%22)

امام صادق (ع) فرمودند: «مَا أَحَبَّ اللَّهَ مَنْ عَصَاهُ؛ کسی که نافرمانی خدا را کند، خداوند را دوست نمی‌دارد.» سپس آن حضرت به شعر زیر مثال زدند:

تَعْصِی الْإِلَهَ وَ أَنْتَ تُظْهِرُ حُبَّهُ هَذَا مُحَالٌ فِی الْفِعَالِ بَدِیعُ

خدا را نافرمانی می‌کنی، آنگاه اظهار دوستی او می‌نمایی! (این از کارهای ناممکن و شگفت‌آور است!)

لَوْ کانَ حُبُّک صَادِقاً لَأَطَعْتَهُ إِنَّ الْمُحِبَّ لِمَنْ یحِبُّ مُطِیعُ[[۱۵]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftn15%22%20%5Co%20%22)

اگر در دوستی او صادق بودی، پیروی‌اش می‌کردی؛ زیرا محبّ، فرماندار محبوب است.

در روایت داریم: «قُلُوبُ الْعِبَادِ الطَّاهِرَةُ مَوَاضِعُ نَظَرِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ فَمَنْ طَهَّرَ قَلْبَهُ نَظَرَ إِلَیه[[۱۶]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftn16%22%20%5Co%20%22)؛ دل‌های پاک بندگان، جایگاه نظرِ خداوند سبحان است. پس هرکه دلش پاک گردد، بدو نظر کند»

خداوند نظر لطفش را به قلب بندگانی که دل‌هایشان پاک است، معطوف می‌دارد. قلب‌هایشان محلّ دیدگاه الهی قرار می‌گیرد؛ و آن قلبی که محلّ دیدگاه الهی قرار بگیرد، نورانیّتش موجب می‌شود به ملکوت عالم نگاه کند، چشم دلش باز می‌شود. گوش دلش باز می‌شود. در این صورت عشق و دوستی او به خالقش بیشتر می‌گردد.

توبه و بازگشت به‌سوی خداوند نیز سبب پاکی دل و افزایش محبت به خدا می‌شود؛ زیرا خداوند گناهان توبه‌کننده واقعی را می‌بخشد و به‌جای آن‌ها حسنات و نیکی‌ها قرار می‌دهد و همین امر سبب دوستی و محبت نسبت به خداوند می‌شود و رابطه محب و محبوبی برقرار می‌کند.

مردی به امام صادق (ع) عرض کرد به خدا سوگند همانا من دیر زمانی است که دچار گناهی شده‌ام که در من به‌صورت ملکه و عادت گشته و هر چه تلاش می‌کنم که از آن گناه به‌سوی کار نیک دیگری بروم و آن کار را ترک کنم، نمی‌توانم. حضرت در پاسخ فرمودند: اگر تو قلباً راست بگوئی و از گناه خود مُنزجر باشی، همانا خدا تو را دوست دارد و طبق نیت تو، با تو رفتار می‌کند و چیزی جلوگیر خدای تعالی نشده که تو را از گناه به‌سوی کار نیک دیگری سوق دهد جز آنکه می‌خواهد تو از او در ترس باشی و به خودت مغرور نشوی.»[[۱۷]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftn17%22%20%5Co%20%22)

روزی امام باقر (ع) به محمدبن مسلم فرمودند: «ای محمّد! گناهان مؤمن که از آن توبه کرده، آمرزیده شده است و باید برای آینده‌اش پس از توبه کار نیک کند.»

محمد بن مسلم می‌گوید: من عرض کردم اگر پس از توبه و استغفار از گناهان، باز گناه کرد و باز توبه نمود (چی)؟ امام در پاسخ فرمودند: «ای محمد! تو می‌پنداری که بنده مؤمن از گناه خویش پشیمان گردد و از آن آمرزش خواهد و توبه کند. سپس خدا توبه‌اش را نپذیرد.!»

عرض کردم: «هر چند بار این کار را کرده و از خدا آمرزش خواسته باشد (باز هم خدا می‌بخشد)؟ امام فرمودند: «هر قدر مؤمن از آمرزش خواهی به خدا رو کند، و توبه کند، خداوند هم همان مقدار به آمرزش او باز می‌گردد، هر چند دفعاتش فراوان باشد. به راستی که خداوند زیاد آمرزنده و مهربان است و توبه را می‌پذیرد و از بدکرداری‌ها می‌گذرد. مبادا تو مؤمنین را از رحمت خدا نا امید سازی.»[[۱۸]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftn18%22%20%5Co%20%22)

**گریز و روضه**

خداوند وعده داده: به آن‌هایی که او را دوست دارند، پادشاهی و حاکمیت ببخشد: «فَسَوْفَ یَأْتِی اللَّهُ بِقَوْمٍ یُحِبُّهُمْ وَ یُحِبُّونَهُ[[۱۹]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftn19%22%20%5Co%20%22)؛ خداوند جمعیّتى را مى‏آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند.»

سال‌ها از عمر ما رفته؛ پدران ما پیر شدند؛ اجداد ما از دنیا رفتند؛ اما تاکنون خبری از این سلطنت نشده و ما همچنان در حسرت دیدار یار نسشته‌ایم و دست به دعا بر می‌داریم.

یک بار اگر که با تو شبم سر شود بس است                            یا خاک پای حضرتت این سر شود بس است

احیا گرفته‌ام که تو احیا کنی مرا                                            قدرم اگر که با تو مقدر شود بس است

خیری ندیده‌ام من از عمری که بی‌تو رفت                               این عمر اگر به دیدنت آخر شود بس است

اندازه چکیدن یک قطره اشک هم                                            محض فراق، چشمم اگر تر شود بس است

نه من که روزه‌های همه روزگار با                                            یک روز، روزه تو برابر شود بس است

امشب مرا به خاطر جدت علی (ع) ببخش                               آقا که راضی از دل نوکر شود بس است

ما عاشق امام زمان (عج) هستیم و همواره می‌گوییم: «یَابنَ الحَسَن رُوحِی فِدَاک مَتَى‏ تَرَانَا وَ نَرَاک‏»

 ما این جا خطاب به امام زمانمان می‌گوییم. یک زمانی هم حضرت زهرا (س) این جمله را به امام زمانش می‌فرمود: «یَا عَلِی! رُوحِی لِرُوحِک الفِداء وَ نَفسِی لِنَفسِکَ الِرقَاء»[[۲۰]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftn20%22%20%5Co%20%22) یعنی علی جان! من پیش‌مرگ توأم.

«إن کُنتَ فِی خَیرٍ کُنتَ مَعَکَ وَ إن کُنتَ فِی شَرٍ کُنتَ مَعَکَ»؛ در سختی‌ها و راحتی‌ها همیشه با تو و پشتیبان توام.

به خاطر عشق و دوستی نسبت به علی (ع) و این عهدی که بسته بود، همواره از حضرت علی (ع) پشتیبانی نمود. تا آنجا که:

در میان کوچه زهرا دامن حیدر گرفت                           گفت نگذارم شود روح من از پیکر جدا

داد فرمان بر مغیره ثانی از بغض علی                          دست زهرا را بکن از دامن حیدر جدا

پیش چشم چهار ساله دختری، آن بی‌حیا                    کرد کاری تا که شد دلداده از دلبر جدا[[۲۱]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftn21%22%20%5Co%20%22)

[[۱]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftnref1%22%20%5Co%20%22). روش داستانی.

[[۲]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftnref2%22%20%5Co%20%22). اقتباس از معراج السعاده، ص ۴۹۱؛ به نقل از محمدی اشتهاردی، محمد، قصه‌های قرآن، صص ۱۵۷ و ۱۵۸.

[[۳]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftnref3%22%20%5Co%20%22). تحف العقول، ص ۳۵۸.

[[۴]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftnref4%22%20%5Co%20%22). عالم برزخ در چند قدمی ما (محمد محمدی اشتهاردی) فصل اول، داستان‌های تلخ و شیرین از لحظه‌های مرگ.

[[۵]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftnref5%22%20%5Co%20%22). توبه/ ۲۴.

[[۶]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftnref6%22%20%5Co%20%22). بقره/۱۶۵.

[[۷]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftnref7%22%20%5Co%20%22). مثنوی معنوی، دفتر پنجم، بخش ۲۹.

[[۸]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftnref8%22%20%5Co%20%22). تفسیر منسوب به امام عسکری (ع)، ص ۳۴۲.

[[۹]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftnref9%22%20%5Co%20%22). نحل/۱۸.

[[۱۰]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftnref10%22%20%5Co%20%22). فاطر/۳.

[[۱۱]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftnref11%22%20%5Co%20%22). نساء/۶۹.

[[۱۲]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftnref12%22%20%5Co%20%22). بحارالانوار، ج ۶۴، ص ۱۴۷.

[[۱۳]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftnref13%22%20%5Co%20%22). جامع الاخبار، ص ۱۵۸.

[[۱۴]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftnref14%22%20%5Co%20%22). مناجاتنامه خواجه عبدالله انصاری.

[[۱۵]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftnref15%22%20%5Co%20%22). وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۰۸.

[[۱۶]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftnref16%22%20%5Co%20%22). تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۶۷.

[[۱۷]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftnref17%22%20%5Co%20%22). کافی، ج ۴، ص ۱۷۶.

[[۱۸]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftnref18%22%20%5Co%20%22). همان، ج ۲، ص ۴۳۲.

[[۱۹]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftnref19%22%20%5Co%20%22). مائده/۵۴.

[[۲۰]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftnref20%22%20%5Co%20%22). مدینة معاجز الأئمة الإثنی عشر، ج‏۳، ص ۳۶۹.

[[۲۱]](file:///Z%3A%5C%5C4BA4~1%5C%5C95BC8B~1%5C%5C-95~3%5C%5C-25~1%5C%5C00%2022%20%20%23U0631%23U0627%23U0647%23U0647%23U0627%23U06cc%20%23U0627%23U0641%23U0632%23U0627%23U06cc%23U0634%20%23U0645%23U062d%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0646%23U062f%23U0647%20%23U0646%23U0633%23U0628%23U062a%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627.docx%22%20%5Cl%20%22_ftnref21%22%20%5Co%20%22). گریزهای مداحی، ص۴۰۴